

شد. کودکان مدارس محتاج ترین مردمند ورزش زیرا ازدحام در مدرسه و اشتغال بتحصیل اگر ورزش و تفریح در پی نداشته باشد باعث ضعف اعصاب و اختلال دماغ میگردد و کودک بکلی از کار و تحصیل بازماند. کودکان مدارس باید یکساعت یا دوساعت برای بازی آزاد باشند در هوای آزاد و بهترین بازیها آنست که خود انتخاب کنند نه آنکه معلم برانها تحمیل کند.

از اصناف ورزش مفید برای کودکان سواری اسب و استر و خر و رقص و مشق یا وتیس و امثال آنهاست و پسر و دختر همه باید از اینگونه ورزشها در حال تحصیل محروم نمائند زیرا حرمان از ورزش موجب درد و مداواست.

## مکاتیب تاریخی

سواد کاتب سلطان حسین میرزا به سلطانعلی خوشنویس

زبدةالکتاب مولانا نظام الدین سلطانعلی بدانکه عنایت و تربیت مربی رأی عقده گشائی که درباره او بوقوع پیوسته اظهر من الشمس. و حسن عقیده همیون در باب هنروری او این مس الامن است و پیوسته صحیفه امال او را مرقوم کلیلک عاطفت ساخته رقم نسخ برخط استادان سابق کشیده ایم و او را در آن فن از همه برتر دیده. در آن فرصت که دواوین خاصه نگاشته کلیلک بدایع نگار اوست سبوی و غلط بسیار در نظر میآید و حک و اصلاح در خطی چنان دلفریب مقدور کسی نمی نماید چه گفته اند «صراع سهل باشد جابه نمی اطلس و نیمی پلاس، و باوجود آنکه او را در کتاب اشعار ترکی و قوف تمام حاصل است و در طریق نظم نیز شروع کامل این صورت بغایت غریبست و مقرر است که در نهایت معنی و ترکیب لفظ يك بیت بلکه یکصراع ناظم را کوشش می باید نمود و در تنقیح یکمضمون عرصه مشیت تمام می باید پیمود هر

گاه که از تصرف کاتب یاسهو قلم خلك بقواعد ارکان او راه یابد موجب توزع ضمیر خواهدگشت و نقصان ان بر ضمیر قایل گران خواهدگشت . این سخن مشهور است که یکی از اعظم ارباب نظام در اثنائی برخشت مالی عبور فرمود که ایات او را غلط و ناموزون ساخته میخواند و بدان تشجید خاطر می نمود چون ان صاحب کمال دید که ترکیب الفاظ نه بانداره قالب معانی میریزد فی الحال قدم انتظام بخشتهائی که مالیده بود نهاده با خاک برابر ساخت و او را در غضب آورده در معرض اعتراض انداخت . خشتمال از روی خشونت اعتراض و زجر گمت که چرا رنج مرا ضایع میسازی و خود را در ورطه حیف و جور می اندازی جواب فرمود که هیئات گوهری را که بصد خون جگر بکف آورده در سلك نظم کشیده ام بسنگ جفا خورد میکنی و باک نداری و فیه خشتی چند که مالیده عرصه شاعت میسازی

بیت

لاف از سخن چو در توان زد      ان خشت بود که پر توان زد  
غرض از این مقدمات آنکه چون توجه خاطر ناظم را بجانب زاده طبع و نتیجه فکر بواجبی ملاحظه نموده سعی نمایند که بر قومات خامه غرائب نگارش از اسیب خطا و خلل مصون ماند و صفحات کتاب مرا دزایش از حاجت حکم و اصلاح محفوظ و مأمون باشد و هر چه نویسد بمقابله ان کماینبعی مراسم سعی به تقدیم رسالت که تلافی ماسبق تواند شد والسلام

## عین القضاة

نقل از يك سئینه کهن سال

وانگاه به تیغ انتظارم کشتی  
تاجان منی هزار بارم کشتی

ای دوست دلت داد که زارم کشتی  
تادل بتو دادم جگرم خون کردی